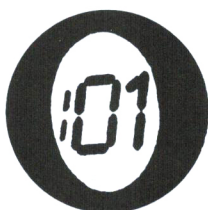


مدیر یک دقیقه‌ای

اسپنسر جانسون / کنت بلانچارد

صدیقه ابراهیمی (فخار)



گفتگو با:

مدیر یک دقیقه‌ای

کنت بلانچارد / رابرت لاربر

صدیقه ابراهیمی (فخار)

فهرست مطالب (مدیر یک دقیقه‌ای)

۱۱ مقدمه
۱۳ جستجو
۱۹ مدیر یک دقیقه‌ای
۲۹ اوکین رمز: هدف‌گذاری یک دقیقه‌ای
۳۷ خلاصه هدف‌گذاری یک دقیقه‌ای
۳۹ رمز دوم: تمجید یک دقیقه‌ای
۴۷ خلاصه تمجید یک دقیقه‌ای
۴۹ ارزیابی
۵۳ رمز سوم: توبیخ یک دقیقه‌ای
۶۱ خلاصه توبیخ یک دقیقه‌ای
۶۳ مدیر یک دقیقه‌ای توضیح می‌دهد
۶۹ چرا هدف‌گذاریهای یک دقیقه‌ای مؤثرند؟
۸۱ چرا تمجیدهای یک دقیقه‌ای مؤثرند؟
۹۱ چرا توبیخهای یک دقیقه‌ای مؤثرند؟
۱۰۵ مدیر یک دقیقه‌ای جدید
۱۰۹ یک هدیه برای خودتان
۱۱۳ یک هدیه برای دیگران

جوان هوشمند و دوراندیش در جستجوی مدیری شایسته و باکفایت بود تا با او کار کند و آرزو داشت روزی خود نیز چون او در جایی از یک سازمان مدیریت کند. این جستجو حتی او را به گوشه و کنار جهان کشانده بود و برای مطالعه و تحقیق مدتی را در شهرهای بزرگ و کوچک گذرانده بود.

با سرپرستان و مدیران شرکتهای مختلف صحبت کرده بود. با رؤسای ادارات و سازمانهای دولتی، با افسران ارتش، مدیران پروژههای ساختمانی، رؤسای دانشگاهها، بانکها و ناظران موسسات، هتلها؛ مردان و زنان از پیر و جوان به گفتگو نشسته بود. به هر اداره و موسسه کوچک و بزرگ، با نمایشگاه و بدون نمایشگاه، با سازماندهی و سیستم ساده و یا پیچیده و تجملی سر کشیده بود.

در این جستجو کم کم با حقیقت طیف مدیریت مردم به مردم آشنا می شد. ولی از آنچه می دید، هرگز احساس رضایت نمی کرد.

با مدیران متکبری که به نظر می‌رسید سازمانشان موفق و افراد و کارکنانشان ناموفق و ناراضی هستند ملاقات کرد. بعضی از مدیران و مسئولان این سازمانها تصوّر می‌کردند مدیران خوبی هستند، در حالی که نظر کارکنانشان غیر از این بود.

هرگاه جوان به دفتر چنین مدیران خودرأیی می‌رفت تا از آنها دربارهٔ چگونگی مدیریتشان بپرسد، جوابهایی می‌شنید که تنها اندکی با هم تفاوت داشتند. به او می‌گفتند: «من مدیر سخت‌گیر و مستبدی هستم؛ به مادیات فکر می‌کنم؛ به موقعیت بالای خود فکر می‌کنم؛ هدف من سود سازمان است؛ واقع‌گرا هستم، با کسی مدارا نمی‌کنم.»

در لحن گفتار آنان تکبر و غروری نابه‌جا حس می‌شد و علاقه‌شان مطلقاً به نتایج بود.